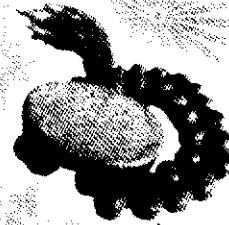


نگاهی به اوصاف

صَلَّى عَلَيْهِ
وَالرَّسُولَ

پیامبر اکرم



جواد خرمی

کار بستن آن حیات دوباره و تازه یافت. آنچه پیش رو دارید نگاهی است اجمالی به اوصاف و ویژگیهای آن حضرت.

الف. محمد ﷺ از زبان قرآن

قرآن به عنوان کتاب جاوید و ماندگار الهی، عمیق ترین و جامع ترین توصیفات را از شخص با عظمت پیامبر اکرم ﷺ دارد.

۱. خاتم رسولان

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۱ «محمد ﷺ پدر هیچ یک

سال ۱۳۸۵ به نام مبارک و با عظمت ختم رسولان، حضرت محمد بن عبدالله، سال «پیامبر اعظم» نام گذاری شده است؛ اگرچه فقط یک سال و یک روز اختصاص به آن حضرت ندارد؛ بلکه از آن جهت که او خاتم پیامبران است، هر سال و هر روز تا قیامت مربوط به اوست و کتاب آسمانی او ابدی و جاودانه است. البته این گونه نامگذاریها فرصت مناسبی است برای تجدید عهد، و بازنگری و بازخوانی اوصاف و رفتار آن حضرت، به امید اینکه بتوان برای زندگی فردی و اجتماعی ره توشه‌های گهربار گرفت و با به

سخن برخی روشنفکران را که ختم رسالت را به معنای ختم دیانت و بر چیده شدن بساط دین از جامعه گرفته است رد می‌کند؛ بنابراین دین و شریعت اسلام همچنان تا قیامت باقی است.

۲. تواضع در برابر خدا و بندگانش

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ...»^۱ «محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و شدید و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی و همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است.»

آیه فوق ویژگی‌های متعددی را برای آن حضرت و برای مؤمنان بیان

از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است، و خداوند به همه چیز آگاه است.»

در این آیه، آن حضرت به عنوان خاتم رسولان معرفی شده و سخن از ختم رسولان است نه ختم دیانت. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ خَتَمَ بِنَبِيِّكُمْ النَّبِيْنَ فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ خَتَمَ بِكِتَابِكُمْ الْكُتُبَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ أَبَدًا؛ به راستی خدایی که یادش با عزت است پایان داد با نبی شما پیامبران را، لذا پس از پیامبر شما پیامبری نخواهد بود و خاتمه داد با کتاب شما (قرآن) کتاب‌های آسمانی را، پس تا ابد کتابی بعد از قرآن نخواهد بود.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «جَاءَ مُحَمَّدٌ ﷺ فَجَاءَ بِالْقُرْآنِ وَ بِشَرِيْعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ، فَحَلَالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ محمد ﷺ آمد، پس قرآن را با شریعت و قانونش [برای مردم] آورد. پس حلال آن (قرآن) تا روز قیامت حلال و حرام آن (نیز) تا قیامت حرام است.»^۲

روایتی که ذکر شد به روشنی

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۲۶۹، روایت ۳، به نقل از محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، دوم، ۱۳۸۲، ص ۴۹۵، روایت ۶۰۲۷.
 ۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۷، حدیث ۲.
 ۳. فتح / ۲۹۱.

کننده! و تو را دعوت کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش!»

شخصی یهودی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و پرسید: راز اینکه تو را «محمد»، «احمد»، «ابی القاسم»، «بشیر»، «نذیر» و «داعی» نامیده‌اند

چيست؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «أَمَّا مُحَمَّدٌ فَأَنِّي مَخْمُودٌ فِي الْأَرْضِ وَأَمَّا أَحْمَدُ فَأَنِّي مَخْمُودٌ فِي السَّمَاءِ وَأَمَّا ابْنُ الْقَاسِمِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْسِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ النَّارَ فَمَنْ كَفَرَ بِي مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَفِي النَّارِ وَيَقْسِمُ قِسْمَةَ الْجَنَّةِ فَمَنْ آمَنَ بِي وَأَقْرَبُ بَنَاتِي فَفِي الْجَنَّةِ»^۱

اما محمد برای این است که من در زمین ستایش شده‌ام و اما احمد، به راستی من در نزد آسمانیان ستوده شده‌ام. اما ابوالقاسم نامیده شدم چون خداوند در روز قیامت بخشی از آتش را جدا می‌کند، پس هر کسی از گذشتگان و آیندگان به من کفر بورزد

می‌کند از جمله: مهربانی نسبت به مسلمانان، شدت نسبت به کفار و مشرکان، اهل عبادت و نماز و رکوع و سجود، دنبال رضایت الهی بودن و نمایان بودن اثر عبادت و بندگی از سیمای او.

۳. دلسوزی و مهربانی

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۱ «به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است، و اصرار بر هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.»

از مهربانی و دلسوزی آن حضرت است که وقتی مشرکان مکه آن حضرت را سنگباران می‌کردند، به جای نفرین می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ قَوْمِي؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ خدایا! قومم را ببخش، زیرا آنها [نسبت به مقام من] نادانند!

۴. بشارت دهنده و انذار کننده

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِذِيهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا»^۳ «ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار

۱. توبه / ۱۲۸.

۲. منتخب میزان الحکمه، همان، ص ۴۹۹.

۳. احزاب / ۴۵ و ۴۶.

۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۵۲، ح ۲، و منتخب میزان الحکمه، همان، ص ۴۹۵.

حضرت فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُّهْدَاةٌ»^۳ همانا من رحمت هدایت شده هستم.

۳. نتیجه دعای ابراهیم عليه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ وَهُوَ يَرْفَعُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ، ﴿رَبَّنَا وَإِنْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾»^۴ من [نتیجه] درخواست و دعای [حضرت] ابراهیم عليه السلام هستم [آنگاه که] گفت در حالی که پایه‌های خانه [خدا، کعبه] را بالا می‌برد: «پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز.»^۵

۴. برترین انسان

اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را عصاره خلقت و عالم هستی بدانیم، اغراق نکرده‌ایم. آن حضرت به این مطلب اشاره دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ لَأَقْخَرُ»^۶ من آقای فرزندان آدم [و برترین

در آتش خواهد بود، و بهشت را جدا می‌کند، پس کسی که به من ایمان آورده باشد و اقرار به نبوت و رسالت من کرده باشد، در بهشت خواهد بود.»

حضرت در ادامه فرمود:

«وَأَمَّا الدَّاعِي فَاتَّبِعُوا النَّاسَ إِلَى دِينِ رَبِّي وَأَمَّا النَّذِيرُ فَاتَّبِعُوا النَّارَ مَنْ عَصَانِي وَأَمَّا الْبَشِيرُ فَاتَّبِعُوا بِالْحَقِّ مَنْ أَطَاعَنِي»^۱ اما داعی برای این است که من مردم را به سوی دین پروردگارم دعوت می‌کنم و اما نذیر برای این است که من کسانی را که نافرمانی‌ام کنند با آتش انداز می‌کنم و بشیر برای این است که کسی که مرا اطاعت کند، به بهشت بشارت می‌دهم.»

ب. رسول اکرم صلی الله علیه و آله از زبان خودش

حضرت نه از باب تعریف و تمجید از خویش؛ بلکه از باب بیان واقعیات، اوصاف خویش را بیان فرموده است:

۱. تربیت شده الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ أَدِيبِي»^۲ من تربیت شده خدا و علی تربیت شده من است.»

۲. رحمت الهی

۱. همان.

۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱، حدیث ۱۹، و منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۵.

۳. هسمن، ص ۴۹۵، روایت ۶۰۳۰ و الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۲.

۴. بقره / ۱۲۹.

۵. کنز العمال، متقی هندی، حدیث ۳۱۸۳۳.

۶. بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۸، حدیث ۵۱.

شونده بر خداوند هستم. آنگاه امتم [وارد می‌شوند] پس از امتم سؤال می‌کنم: با قرآن و اهلبیتم چه کردید؟»

۸. هدیه‌های الهی

رسول خدا فرمود: «أَعْطَيْتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ نَبِيٌّ كَانَ قَبْلِي: أَرْسَلْتُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَسْوَدَ وَالْأَحْمَرَ وَجَعَلْتُ لِي الْأَرْضَ طَهْرًا وَمَسْجِدًا وَنَصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأَجَلْتُ لِي الْغَنَائِمَ وَلَمْ تَحُلْ لِأَحَدٍ - أَوْ قَالَ لِنَبِيِّ قَبْلِي - وَأَعْطَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ»^۱ پنج چیز به من عطا شده است که به هیچ یک از انبیاء پیش از من داده نشده است:

۱. من به سوی [همه جهانیان اعم از] سفید و سیاه و سرخ فرستاده شده‌ام.
۲. زمین برای من پاک (و پاک کننده) و سجده گاه قرار داده شده است [لذا مسلمانان هر جای زمین می‌توانند نماز بخوانند، بر خلاف ادیان گذشته که

آنها] هستم و افتخار [ی برای من] نیست». حضرت در جای دیگر می‌فرمود: «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي؛^۲ خداوند مخلوقی برتر از من نیافریده است و عزیزتر از من در نزد خداوند وجود ندارد.»

۵. داناترین مردم

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَتَقَاكُمْ وَأَعْلَمَكُمْ أَنَا؛^۳ به راستی باتقواترین و داناترین شما [نسبت به خداوند] منم.»

۶. پیشوای رسولان

رسول خدا ﷺ فرمود: «أَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَ أَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ وَلَا فَخْرَ؛^۴ من پیشوای فرستاده شدگان هستم و افتخاری نیست، من خاتم پیغمبران هستم و افتخاری نیست، من اولین شفاعت کننده و اولین شفاعت شده هستم و افتخاری نیست.»

۷. اولین وارد شونده

پیامبر عزیز خدا فرمود: «أَنَا أَوَّلُ وَافِدٍ عَلَى الْعَرْشِ الْجَبَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكِتَابُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي ثُمَّ أُمَّتِي ثُمَّ أَسْأَلُهُمْ: مَا فَعَلْتُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِي؛^۵ من همراه با کتاب خداوند (قرآن) و اهل بیتم اول وارد

۱. عيون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، حدیث ۲۲.
۲. كنز العمال، حدیث ۳۱۹۹۱ و منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۶.
۳. همان، ص ۴۹۵.
۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۰، حدیث ۴ و منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۵.
۵. امالی شیخ طوسی، ص ۴۸۴، حدیث ۱۰۵۹.

هستی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ چرا که از کودکی در دامان او تربیت شده و با تمام خصوصیت‌های روحی و ویژگی‌های اخلاقی او آشناست، لذا هر چه درباره حضرت می‌گوید از سر شناخت و آگاهی، بلکه لمس و درک حضوری و عینی است. حضرت علی علیه السلام خود را از بردگان پیامبر می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِّنْ عَبِيدِ مُحَمَّدٍ؛^۳ به تحقیق من برده‌ای از بردگان محمدم.»

۱. خدا برتر از او نیافرید

علی علیه السلام فرمود: «مَا بَرَأَ اللَّهُ نَسَمَةً خَيْرًا مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛^۴ خداوند مخلوقی برتر از محمد صلی الله علیه و آله نیافریده است.»

۲. مانند او ندیدم

علی علیه السلام فرمود: «كَأَنَّ عَرَقَهُ فِي وَجْهِهِ السُّؤْلُو وَ لَرِيحِ عَرَقِهِ أَطْيَبُ مِنَ الْمَسْكِ الْأَذْخَرِ... لَمْ أَرِ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ؛^۵ گویا

۱. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۹۱ و منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۱۶، روایت ۶.

۳. توحید صدوق، ص ۱۷۴، حدیث ۳.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۰، حدیث ۲ و منتخب میزان الحکمه، همان، ص ۴۹۶.

۵. همان و الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۱۰.

فقط در مرکز عبادت می‌توانستند عبادت کنند.]

۳. بارعب و ترس [در دل دشمنان در جنگ بدر و خیبر و... یاری شدم.

۴. غنائم [جنگی] برای من حلال شمرده شد، در حالی که برای هیچ کسی [یا هیچ پیغمبری قبل از من] حلال نبود. و به من [از طرف خداوند] جامع تمام سخنان داده شده است.»

۹. رسالت جهانی

رسول خدا فرمود: «أَنَا رَسُولٌ مِّنْ أَذْرَكْتُ حَيًّا وَمَنْ يُؤَلِّدُ بَعْدِي؛^۱ من رسول کسانی هستم که در زمان حیاتم آنها را درک کرده‌ام و کسانی که بعد از من به دنیا می‌آیند.»

و نیز فرمود: «بِمَثِّ كُلِّ نَبِيٍّ كَانَ قَبْلِي إِلَى أُمَّتِهِ بِلِسَانِ قَوْمِهِ وَ بَعَثَنِي إِلَى كُلِّ أَسْوَدٍ وَ أَحْمَرَ بِالْعَرَبِيَّةِ؛^۲ پیامبران قبل از من به سوی امت خود، با زبان قوم خود مبعوث شدند؛ ولی من به سوی [تمام جهانیان اعم از] سیاهپوست و سرخپوست با زبان عربی مبعوث شده‌ام.»

ج. پیامبر از زبان علی علیه السلام

علی علیه السلام نزدیک‌ترین فرد عالم

آمده است: «طَبِيبٌ دَوَّازٌ بِطَيْبِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى (أَمْضَى) مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمِي وَ أَذُنِ صُمَّ وَ أَلْسِنَةِ بَنِيهِ مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْفَقْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْخَيْرَةِ»^۱ پیامبر طیبی است سیار که مرهمهای شفا بخش او آماده و ابزار داغ کردن زخمها را گذاخته، آن را هر جا که نیاز باشد قرار می دهد؛ از قلبهای کور، گوشهای ناشنوا و زبانهای لال. و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

۶. امان اهل زمین

وجود با برکت پیغمبر اکرم، امان اهل مکه و بلکه تمام اهل زمین بود. علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ قَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا قَدْ وَنَكُمُ الْآخِرُ فَمَتَسَكُوا بِهِ: أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى الْأَمَانُ الْبَاقِي قَالَ لِاسْتِغْفَارٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ

عرق چهره اش چون لؤلؤ [و مرجان بود که بر پیشانی او می غلطید] و بوی عرقش همچون مشک ناب بود... هرگز مانند او، قبل و بعد از او ندیده ام.»

۳. پاک ترین خوی و عادت

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا شَهِيدًا وَ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا، خَيْرَ النَّبِيِّينَ طِفْلاً وَ أَنْجَبَهَا كَهْلًا وَ أَطَهَرَ السُّطْحَ بَيْنَ شَيْمَةٍ»^۱ خداوند محمد را برانگیخت در حالی که گواه [اعمال مردم] و بشارت دهنده و انذار کننده بود. بهترین مردم در دوران کودکی، نجیب ترین مردم در دوران سالمندی، پاک ترین پاکان از نظر خوی و اخلاق، بود.»

۴. برخوردار از اراده و قدرت آهنین

یقیناً انسانی که تحول عظیمی با نام اسلام در جهان بشریت ایجاد کرد، نمی تواند انسانی ضعیف الاراده و ناتوان باشد. علی علیه السلام فرمود: «لَا عَرَضَ لَهُ أَمْرَانِ إِلَّا أَخَذَ بِأَشَدِّهِمَا»^۲ دو کار بر او عرضه نشد مگر اینکه سخت ترین آن را انتخاب می نمود.»

۵. طیب دوار

در نهج البلاغه درباره پیامبر اکرم

۱. نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۰۵.

ص ۱۹۲.

۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۱، حدیث ۵۵ و

منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ص ۲۱۰.

پیامبر دنیا را کوچک می‌شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه می‌داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی می‌فرمود

و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه می‌داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی می‌فرمود. او می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید. پیامبر ﷺ از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش میراند. او دوست داشت زینتهای دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن، لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزو نکند.^۴

يَسْتَفْزِرُونَ^۱؛ دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود که یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید! اما امانی که برداشته شد، رسول خدا ﷺ بود و امان باقیمانده استغفار است،^۲ که خدای بزرگ فرمود: خدا آنان را عذاب نمی‌کند در حالی که تو در میان آنان، و عذابشان نمی‌کند تا آن هنگام که استغفار می‌کنند.»

۷. الگوی ساده زیستی

«وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٍ لَكَ فِي الْأَسْوَةِ، وَدَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَغَيْبِهَا، وَكَثْرَةِ مَسْخَاظِهَا وَمَسَاوِيهَا إِذْ قَبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا وَوُطِئَتْ لِيَغْيَرَهُ أَكْنَافُهَا، وَفُطِمَ عَنْ رِضَاعِهَا...»^۳ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام ﷺ را اطاعت نمایی، تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدیها و عیبهای دنیا و رسواییها و زشتیهای آن باشد، چه اینکه دنیا از هر سو از پیامبر ﷺ باز داشته و برای غیر او گسترانده شد. او از پستان دنیا شیر نخورد.»

امیر مؤمنان علی عليه السلام در جای دیگر فرمود: «پیامبر دنیا را کوچک می‌شمرد

۱. انفال / ۳۳.

۲. نهج البلاغه، همان، حکمت ۸۸، ص ۶۴۲.

۳. همان، خطبه ۱۶۰، ص ۲۹۸.

۴. همان، خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۸.